

## سید محمد بن فلاح و اندیشه مهدویت

محمد علی رنجبر

دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده:

سید محمد بن فلاح بن هبة الله (د ۸۷۰ ق) از شاگردان شیخ احمد بن فهد حلی (د ۸۴۱ ق) بود که نهضتی را در مناطق جنوب شرقی عراق و خوزستان رهبری کرد، و حکومت مستقل شیعه‌مذهب مشعشعیان را تشکیل داد. در حوزه مطالعاتی که درباره مشعشعیان صورت گرفته، دیدگاهها و اندیشه‌های سید محمد بن فلاح از اهمیت بسیاری برخوردار است. هدف این نوشتار بررسی آموزه مهدویت در اندیشه‌های رهبر مشعشعیان است، موردی که چون و چراهای بسیاری را در میان نویسندگان منابع و پژوهشهای نوین موجب شده است. برای رسیدن به این مهم، سرچشمه آگاهیها به دو حوزه تقسیم شده‌اند: نخست، روایت منابع اصیل غیر مشعشعی در خصوص دعوی مهدویت سید محمد بن فلاح طرح شده، سپس تنها اثر به جا مانده از او، یعنی کلام المهدی بررسی شده است. فرض بنیادی این نوشتار، نشان دادن اختلاف روایت منابع غیر مشعشعی با کلام المهدی است، که در آن، سید محمد بن فلاح از خود به عنوان نایب و حجاب امام غایب (ع) نام می‌برد.

**کلید واژه‌ها:** سید محمد بن فلاح، مشعشعیان، کلام المهدی، مهدویت، حجاب، نایب.

### مقدمه

سید محمد بن فلاح بن هبة الله رهبر نهضت مشعشعیان در سده نهم ق بود. با نگرشی کلی حیات مشعشعیان به دو دوره قابل تقسیم است:

۱. دوره نهضت و حکومت (۸۴۰ ق-۹۱۴ ق)

۲. دوره والی گری و وابستگی آنها به حکومت صفوی (۹۱۴-۱۱۳۵ق)، که پس از آن نیز کم و بیش و در شرایطی متفاوت تداوم یافت.

آغاز جدی تکاپوهای سید محمد بن فلاح و رهبری نهضت مشعشعیان به سال ۸۴۰ق و در پی صدور فتوای قتل او از سوی شیخ احمد بن فهد حلی (د ۸۴۱ق) بر می‌گردد<sup>۱</sup> (سید علی خان، ۱۲). او به زودی توانست به یاری قبایل عرب منطقه، حوزیه (هوزیه) را از حیطة تصرف حکومت جانشینان تیمور بیرون آورد (۸۴۵ق) و بتدریج شهرهایی چون شوشتر و دزفول را نیز بر قلمرو متصرفات خود بیفزاید. پس از وی نیز، پسرش سلطان محسن (د ۹۰۵ق) بر قلمروی وسیع و باثبات حکومت کرد. مشعشعیان در دوران حکومت جانشینان او، یعنی سید علی و سید ایوب (مقتول ۹۱۴ق)، با تهاجم اسماعیل اول صفوی (حک ۹۰۷ق-۹۳۰) روبرو شدند و در نهایت، استقلال خود را از دست دادند. اما این امر به معنای پایان حکومت مشعشعیان در منطقه نبود، زیرا دیگر فرمانروایان مشعشعی تحت تابعیت صفویان و با عنوان والی در بخشهایی از منطقه و با مرکزیت حوزیه به حکمرانی خود ادامه دادند (کسروی، ۷۳).

درباره اندیشه‌های سید محمد بن فلاح و به تبع آن ماهیت فکری مشعشعیان، در منابع گزارشهای مختلفی ارائه شده است که در مجموع، مبتنی بر غالی‌گری آنهاست. در این میان، بیش از همه بر دو اصل دعوی مهدویت و الوهیت رهبران مشعشعی و بویژه سید محمد بن فلاح تأکید شده است. هدف این نوشتار، تبیین مهدویت در اندیشه رهبر مشعشعیان است و برای این منظور، نخست روایات منابع اصیل غیر مشعشعی در این باره ذکر خواهد شد، سپس از منظر و محتوای تنها اثر به جا مانده از سید محمد بن فلاح، یعنی کلام المهدی به این مهم اشاره می‌رود. در واقع سعی خواهیم کرد با ارائه دو گزارش غیر مشعشعی و مشعشعی از اصل مهدویت، امکان هم‌سنجی دو نگاه مختلف را به موضوع مورد بحث، فراهم کنیم.

۱. شیخ احمد بن فهد حلی استاد و پدر خوانده سید محمد بن فلاح بود که پس از ظهور و آغاز حرکت مسلحانه سید محمد فرمان قتل او را صادر کرد. برای آگاهی از اندیشه‌های ابن فهد حلی و تأثیر آن بر سید محمد بن فلاح (نک: شبیبی، ۲۷۲-۳۱۰).

## اندیشه مهدویت سید محمد بن فلاح بر اساس منابع غیر مشعشی

منابع اصیل غیر مشعشی را در پیوند با موضوع فوق، و به لحاظ وابستگیهای سیاسی و... می توان به سه دسته تفکیک کرد: الف. مجالس المؤمنین، ب. تاریخ کبیر، ج. برخی از منابع دوره صفوی.

الف. مجالس المؤمنین، این کتاب اثر قاضی نورالله شوشتری (مقتول ۱۰۱۰ ق) از عالمان دینی شیعه و از سلسله سادات مرعشی شوشتر است که آثار مهمی در مقابله با دیدگاههای عالمان اهل سنت به رشته تحریر درآورد و به دنبال همین فعالیتها سرانجام در هند به قتل رسید (برای اطلاع بیشتر، نک: افندی، ۵/ ۲۶۶-۲۶۸)<sup>۱</sup>. اهمیت مجالس المؤمنین، گذشته از نگارش آن از سوی عالمی دینی و خارج از تاریخ نگاری رسمی و درباری متداول، بیشتر از آن جهت است که در آن از بخشی از اثر مهم «غیائی» که اکنون در دسترس ما نیست استفاده شده است (شوشتری، ۲/ ۳۹۵). غیائی مؤلف تاریخ مشعشعیان است که فصل مربوط به مشعشعیان از دو نسخه موجود آن افتاده است (نک: غیائی، ۱۷).

قاضی نورالله از قول سید محمد بن فلاح نقل می کند، که گفته است: «من ظهور خواهم کرد و مهدی موعود من خواهم بود». وی در ادامه، بر این نکته مهم اشاره می کند که سید محمد بن فلاح «جامع معقول و منقول بود و صوفی و صاحب ریاضت و مکاشفه، و آنچه از ظهور خود خبر می داد از روی مکاشفه بود» (شوشتری، ۲/ ۳۹۵ - ۳۹۶). قاضی نورالله کوشش بیشتری در توصیف و تبیین آموزه مهدویت سید محمد بن فلاح نمی کند، اما به هر روی، از سخنان او پیوند گرایشهای متصوفانه سید محمد بن

---

۱. میرزا عبدالله افندی (د ۱۱۳۰ ق) در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قاضی نورالله را «فقیه محدث بصیر به سیر و تواریخ» معرفی می کند که «جامع فضائل و نافذ در کل علوم» بود و سبب قتل قاضی را تألیف کتاب احقاق الحق می داند که در پاسخ به اثر فضل الله روزبهان خنجی (نهج الحق) نوشته شده بود. قاضی، همچنین کتاب مصائب النواصب را در رد نواقض الروافض میرزا مخدوم شریفی نوشت. به طور کلی میرزا عبدالله، او را «متصلب» در تشیع می شناساند که «میل» به تصوف داشت و به «شان اهل تصوف» نیز توجه می نمود (همانجا، ۵/ ۲۶۵-۲۶۸).

فلاح و دعوی «ظهور» او که مبتنی بر «مکاشفه» بود، هویدا است.

قابل ذکر است که یکی از وقایع نگاران دوره مشعشعیان سید علی بن سید عبدالله بن سید علی خان<sup>۱</sup> از اخلاف سید محمد بن فلاح است که برای مدتی نیز بر مسند والی گری مشعشعیان تکیه زده بود. وی در اثر خویش، تاریخ مشعشعیان مذکور از مجالس المؤمنین استفاده کرده و همچون قاضی نورالله از اظهار مهدویت سید محمد بن فلاح خبر داده است و از آن تعبیر به «مزخرفات» کرده است (سید علی خان، ۲، ۵) و حتی از نیرنگ و حیلۀ محمد بن فلاح در به دست آوردن کتاب ابن فهد حلی که حاوی «علوم غریبه ... و کرامات مهیبه» بود سخن می گوید. به گمان او همین کتاب، موجب تحول سید محمد بن فلاح، و دسترسی او به قدرت و حکومت شد (همو، ۲). در مجموع سید علی خان نیز با وجود همدلی و تکریمی که در برخی موارد نسبت به بانی و آغازگر نهضت مشعشعیان نشان می دهد، همچون قاضی نورالله، بدون کوششی در جهت ارائه چارچوب فکری سید محمد بن فلاح، تنها از دعوی مهدویت او یاد می کند و آن را سخت مردود می شمارد.

ب. تاریخ کبیر،<sup>۲</sup> این کتاب اثر جعفر بن محمد بن حسن حسینی یزدی (جعفری) وقایع نگار دوره تیموری از معاصران سید محمد بن فلاح است. وی حوادثی را که تا سال ۸۴۵ ق رخ داده، در بر می گیرد؛ یعنی فقط پنج سال پس از ظهور سید محمد بن فلاح در آغاز قدرت گیری مشعشعیان که حویزه و شوشتر در قلمرو تیموریان بود و سید محمد بن فلاح با غلبه بر حاکمان تیموری، بر آنجا دست یافت. اما علی رغم دشمنی

۱. سید علی خان در سال ۱۱۱۲ ق به منصب والی گری حویزه گمارده شد و به دنبال تحولات و درگیریهای پیش آمده در همان سال عزل شد و در حویزه در بند افتاد تا اینکه در سال ۱۱۲۰ ق از زندان آزاد و راهی سفر حج شد. وی بار دیگر در سال ۱۱۲۷ ق به منصب والی گری رسید. از فرجام کار او خبری در دست نیست. آخرین تاریخی که در اثر او موسوم به تاریخ مشعشعیان دیده می شود سال ۱۱۲۸ ق است. تنها نسخه خطی اثر مذکور در کتابخانه سپهسالار (شهید مطهری) به شماره ۱۵۱۳ نگهداری می شود. این اثر به زبان عربی و فارسی در تاریخ مشعشعیان از سید محمد بن فلاح تا دوران مؤلف است.

۲. یگانه نسخه خطی تاریخ کبیر در یکی از کتابخانه های روسیه نگهداری می شود. میکرو فیلم نسخه مذکور به شماره ۴۷۷۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

مشعشعیان با تیموریان، جعفری با آنکه وقایع نگاری وابسته به تیموریان است، گزارشی از ماجرای سید محمد بن فلاح، ارائه می‌کند که در قیاس با سایر منابع، به آنچه در کلام المهدی آمده، نزدیک‌تر است. او این جمله را از قول سید محمد نقل می‌کند که: «من پیشرو مهدی‌ام، امام در این زودی بیرون می‌آید». جعفری نیز در داوری نهایی، سید محمد بن فلاح را «شیعه غالی» قلمداد می‌کند که «بر مذهب فلاسفه و اسماعیلیه» عمل می‌کرد (تاریخ کبیر، بدون صفحه شماری)، و توضیح بیشتری از چند و چون اندیشه‌های او به دست نمی‌دهد.

ج. منابع دوره صفوی، ارزیابی نگرش این منابع نسبت به مشعشعیان آسان است. صفویان در روزگار اسماعیل اول در سال ۹۱۴ ق حکومت مستقل مشعشعیان را ساقط کردند، ولی به خاطر برخی ملاحظات سیاسی و اجتماعی ناچار شدند آنها را در منصب والی‌گری از جانب و تحت نظر خود تحمل کنند (تاریخ عالم آرای صفوی، ۱۳۶-۱۳۷). بر این اساس وقایع نگاران درباری و رسمی صفوی به موازات اقدام نظامی صفویان، راهی جز توجیه اعتقادی این براندازی نداشتند و از این روست که تقریباً به طور یکسان از باور مشعشعیان به الوهیت علی (ع) سخن گفته‌اند و کمتر به چند و چون آن پرداخته‌اند. و افزون بر این، قدرت‌گیری سید محمد بن فلاح را نیز از «رهگذر [انجام] امور غریبه [در میان] اجلاف اعراب» نشان داده‌اند که موجب «اعتقاد غلطی» (الوهیت) درباره شخص سید محمد بن فلاح نیز شد (غفاری قزوینی، ۹۲-۹۳).<sup>۱</sup>

### اندیشه مهدویت سید محمد بن فلاح بر اساس کلام المهدی

کلام المهدی<sup>۲</sup> را می‌توان بیانیه اعتقادی مفصل سید محمد بن فلاح تلقی کرد که در

۱. دیگر منابع دوره صفوی نیز کم و بیش چنین گزارشهایی ارائه می‌کنند؛ برای نمونه در جهانگشای خاقان (ص ۲۹۳) از باور مشعشعیان به الوهیت علی (ع) سخن رفته است، مرتبه‌ای که رهبران مشعشعی برای خود نیز قائل بودند (نیز نک: شیرازی، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۷؛ خواندمیر، ۴/۴۹۶-۴۹۸؛ روملو، ۱۳۸).

۲. از این اثر تاکنون دو نسخه شناخته شده: یکی نسخه مجلس به شماره ۱۰۲۲۲ (نسخ معرب سده دهم)، و دیگر نسخه کتابخانه مرعشی قم به شماره ۱۲۱۱ (نسخ معرب، اول محرم ۱۰۱۱). نسخه مجلس در ۳۷۰ برگ سیزده سطری و با خط نسخ تحریر شده است. در این نوشتار از میکرو فیلم نسخه مذکور به

خلال آن پاره‌ای موضع‌گیری‌های سیاسی و همچنین برخی حوادث مربوط به خیزش مشعشعیان نیز طرح می‌شود، اما غالب رسایل و بخشهای آن، در حوزه موضوعات اعتقادی است. به نظر می‌رسد سید محمد بن فلاح در جایگاه رهبری مشعشعیان به شدت از سوی محافل سیاسی و مذهبی در معرض نقد و تخطئه بوده، و از این رو حجم قابل توجهی از متن ۳۷۰ برگه این اثر در توضیح اصول اعتقادی، با محوریت جایگاه نیابت وی در اندیشه مهدویت است.

در ادامه این نوشتار بر اساس متن کلام المهدی ابعاد آموزه مهدویت سید محمد بن فلاح بررسی می‌شود. کمال مطلوب در این مطالعه، فراهم آوردن گزارشی منسجم و بر خوردار از نظم و منطق درونی از مجموعه گفتارهای حجیم و پراکنده سید محمد بن فلاح است، که بتواند پاسخی بدین پرسش باشد که آیا او ادعای مهدویت کرده بود؟ و اگر علی‌رغم صراحت منابع غیر مشعشعی - که به آنها اشاره شد - وی چنین ادعایی نکرده باشد، آنگاه جایگاه و موقعیت او در آموزه مهدویت چگونه تبیین شدنی است؟

### امام غایب (ع)، غیبت و ظهور

سید محمد بن فلاح بر اساس متن کلام المهدی، سرسختانه به نگرشی شیعی از روند تاریخ اسلام باور داشت و واقعه سقیفه بنی ساعده و گزینش نخستین خلیفه را پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) آغاز انحرافی بزرگ و ستمی نابخشودنی می‌دانست که پیاپی بر سنگینی آن افزوده می‌شد. اگرچه علی (ع) پس از وفات سه خلیفه نخستین به حکومت رسید اما شهادت او مانع از آن شد که امور مسلمین در جهت صحیح قرار گیرد.

شماره ۳۰۳۲ موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران استفاده شده است. قابل ذکر است که متن کلام المهدی متشکلت و پراکنده است و کمتر انسجام مفهومی در سرتاسر یک جزء (رساله) آن دیده می‌شود. گویی نویسنده به جای اثبات اصول فکری خود، قصد داشته است تلقیهای دیگران را از اعتقادات خود به سرعت و با کوتاهی مورد انکار قرار دهد. آخرین تاریخی که در اثر فوق آمده سال ۱۸۶۵ است (برگ ۱۱۱، ۲۲۲). از سالهای ۸۵۵ ق و ۸۶۲ ق نیز یاد شده است (کلام المهدی، برگ ۴، ۳۳۰) (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی ۹/۴؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳۳-۳۲/۲؛ ذکاوتی قراگوزلو، ۶۱-۶۷).

از دیدگاه سید محمد بن فلاح با شهادت دیگر پیشوایان شیعه، همچنان نافرمانی از خدا در میان مسلمین تداوم یافت تا اینکه زمان غیبت امام غایب (ع) فرارسید (کلام المهدی، برگ ۱۱۹).

سید محمد بن فلاح در موارد متعدد به زندگی امام غایب (ع) اشاره می‌کند، که از نرجس دختر قیصر روم در سال ۲۱۵ ق زاده شد و تا سال ۸۶۵ ق (زمان نگارش) مدت ۶۱۰ سال از عمرش گذشته بوده است (برگ ۱۱۱). حضرت مهدی حجة بن الحسن عسکری (ع) دیده نمی‌شود و هیچ یک از صاحبان قدرت قادر نیست او را لمس و یا دستگیر کند اما او قادر است به هر مکانی که مایل باشد حاضر شود، آرامگاه مقدسان را زیارت کند و حتی در صورت لزوم بر ظالمان حمله برد (برگ ۱۱۲).

او با ذکر گفته پیامبر (ص) دیدگاه شیعه را درباره وجود و حضور امام غایب (ع) تأکید می‌کند و به رد نظر اهل سنت می‌پردازد. جانشینان پیامبر (ص) مطابق فرموده آن حضرت به تعداد نقبای بنی اسرائیل (دوازده تن) هستند و بنا بر روایتی دیگر، پیامبر (ص) به امام حسین (ع) می‌فرماید که او امام، پسر امام، برادر امام و پدرت امام است که نهمین، قائم آنهاست و در برابر نظر اهل سنت که عمر طولانی امام غایب (ع) را «بعید» می‌دانند، می‌نویسد: «خداوند بر هر چیزی تواناست و او زمان حیات برخی از صالحین چون خضر، نوح و شعیب و هم چنین [برخی] از ظالمین [مانند] دجال را طولانی کرده است... که می‌تواند از جمله معجزات باشد» (کلام المهدی، برگ ۳۴۱-۳۴۲).

سید محمد بن فلاح غیبت امام را در شرایطی می‌داند که ظلم و ستم چیرگی داشت. ظهور او نیز برای پایان دادن به این وضعیت است (برگ ۱۲۶). ظهور مهدی (ع) «قیام حق» است که «باطل» را نابود خواهد ساخت و این در جهت رسالتی است که جد او داشت، و حاصل قیام مهدی در زمین، نابودی دشمنان خواهد بود (برگ ۱۲۰) و این قیام در شرایطی صورت می‌گیرد که در بیشتر ممالک اسلامی شرب خمر می‌شود، احکام اسلامی از سوی مسلمانان رعایت نمی‌گردد، رشوه خواری، ربا و زنا رواج دارد و از اسلام جز شکل ظاهر چیزی باقی نمانده است و بندگان صالح اندک اند.<sup>۱</sup>

۱. «لكن الغلب من بلاد الاسلام يشربون بها الخمر ... هذا وجب في الحكمة ظهور مهدى من ولد

## نظریه حجاب (نیابت)

اکنون که مشخص شد سید محمد بن فلاح، منکر غیبت و ظهور دوازدهمین امام شیعیان (ع) نیست، این پرسش پیش می‌آید که جایگاه و مرتبه خود او در این میان در کجاست؟

سید محمد بن فلاح از خویش با عنوان‌هایی چون «مقام، حجاب، و نیابت» یاد می‌کند که رسالت زمینه‌سازی ظهور امام غایب (ع) را بر عهده دارد. او با دعوت مردم به قیام، می‌کوشد صف مؤمنان و پرهیزکاران را از بی‌ایمانان به امام غایب (ع) جدا کند و با این شیوه فرصتی برای آزمایش مردم فراهم سازد. از نظر سید محمد بن فلاح، مهدی (ع) در زمان ظهور از چنان قدرتی برخوردار است که هیچ‌کسی را یارای مقابله با او نیست. در آن هنگام، خضر و عیسی (ع) همراه او هستند و به صورت اجتناب‌ناپذیری همه مردم تسلیم او خواهند شد و این اجبار، فرصتی جهت «آزمایش» صالحان از ناصالحان باقی نمی‌گذارد و در این شرایط است که وجود نایب مهدی (ع) ضرورت پیدا می‌کند، شخصی که از توانایی مهدی (ع) برخوردار نیست و برای پیروزی نیاز به یاری دارد و در این صورت فرصت انتخاب برای مردم فراهم می‌شود که: یا از جمله پرهیزکاران حامی قائم مقام امام غایب (ع) یعنی سید محمد بن فلاح باشند یا اینکه از گروه عصیانگران:

«لَم یجد فی الارض له مخالفاً لِقُوَّةِ الشُّوْکَةِ الْمُبْهَرَةِ اذ کیف یکون الاختیار ... یُسَلِّمُ الیه علی قُوَّتِهِ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ فایهم التَّقِیُّ یکون مِنَ الْعَاصِّ فَلَا یَجُوزُ اَنْ یَخْتَبِرَ اللّٰهُ الْاِمَّةَ فِی کُلِّ زَمَانٍ اِلَّا بَضْعِیْفٍ یَحْتَاجُ اِلَی نَاصِرٍ کَمَا فَعَلَ بِمُحَمَّدٍ عَلَیهِ السَّلَامُ وَهُوَ اَفْضَلُ الْاَنْبِیَاءِ حَتّٰی مِنْ شِدَّةِ ضَعْفِهِ هَرَبَ اِلَی الْغَارِ، وَ لَیْسَ ذَلِکَ بَعِیَارَةً مِنْهُ بَلْ اَمْرُهُ اللّٰهُ حَتّٰی یَخْتَبِرَ بِه اَهْلَ ذَلِکَ الزَّمَانِ ... فِیجِبُ فِی الْحِکْمَةِ.... یَظْهَرُ حِجَابُهُ وَ مَقَامُهُ فِی الْاَرْضِ بَضْعِیْفٌ یَعْلُوهُ وَ اَحْتِیاجُ اِلَی نَاصِرٍ یَنْصُرُهُ حَتّٰی یَقَعَ الْاِخْتِیَارَ وَ تَتَبَيَّنَ الْاَخْرَارُ مِنَ الْاَشْرَارِ وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ وَ اَتَمُّ لَا

الرسول یرفع الظلم والجور، و ینشر وُلاته فی الارضین و یجمع الملل و المذاهب علی قانون القرآن و لا تعود الائمة واحدة علی اثر الكتاب و السنة الموحدة و السلام علی سائر المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و رحمة الله و برکاته (برگهای ۳۶۰-۳۶۱).



تَعْلَمُونَ» (برگهای ۲۴۲-۲۴۳).

مهدی (ع) همان طور که در زمان غیبت توانایی انجام هر کاری را دارد در زمان ظهور نیز مانند «فرشته» ای است که خداوند به سوی زمین می فرستد تا روح انسانها را از کالبدشان جدا کند:

«اذما فی الذّات لایزول و لایتغیر فلا یسلب اللّهُ عنه ما البسه من کرامة الاقتدار لآسیما اذا ظهر معه الخضر من السیاحة و عیسی من السماء، و فی تلك الحالة ائى من دعاه الیه اجابه، فیلزم الجبر اذ یأتیه قوی الامة و ضعیفها و لایصح فی ذلك الاختیار لآن الاختیار لا یبلغ الالقاء و القهر، فلا یثاب المکلف الا بالفعل الاختیاری» (برگهای ۱۱۱-۱۱۲).

از نظر سید محمد بن فلاح، قتل و شهادت ائمه (ع)، امری ظاهری است و آنها زنده‌اند و از این جهت، تفاوتی میان مهدی (ع) و دیگر ائمه نیست و او با «ظهور برتر نمی شود» و در هنگام ظهور، ائمه (ع) حضور دارند، از این رو:

و اذا لم یکن ظهوره من دونهم و جب علی اللّهُ ان یظهر لهم مقاماً ضعیفاً کما ظهر مُحَمَّدٌ الَّذی هرب الی الغار لضعفه و هذا السید الذی ظهر بحسب النیابة عن ثانی عشر الائمة بل و عن کل واحد منهم و عن سائر الانبیاء و الاوصیاء و الصالحین فهو هم اذ ید الوکیل هی ید الموکل» (برگ ۲۳۲).

امام غایب (ع) مرتبه‌ای همچون عزرائیل دارد؛ زمانی که نازل می شود تا روح را از بدن جدا کند هیچ یک از نزدیکان مرده نمی تواند او را کنار بزند و یا حتی او را ببیند و این «کرامتی» است که از جانب خداوند به مهدی (ع) «اعطا» شده و «محال» است که به هنگام ظهور، این کرامت از او سلب شود، «زیرا آنچه در ذات است زوال ناپذیر است».

همه کوشش سید محمد بن فلاح برای اثبات تواناییهای فراوان امام غایب (ع) به قصد اثبات ضرورت ظهور حجاب است تا امر آزمایش تحقق پذیرد. چون اگر آزمایش صورت نپذیرد «صالح امت از فاسدش قابل تشخیص» نخواهد بود و این «قیح» است و خداوند عمل «قیح» انجام نمی دهد (برگ ۳۴۹). وی با ردّ نظر کسانی که غیبت امام (ع) را به خاطر بسیاری دشمنان و کمی یاران او دانسته‌اند، می نویسد: چگونه امام (ع) کم‌یاور است در حالی که خضر و عیسی با او هستند و او چون جبرئیل توانا است» و می افزاید: «اگر ظهور درجه دوم را که همان درجه نیابت است تأیید نکنیم اجتماع نقیضین

می‌شود» (برگ ۳۵۰). او مرتبه نیابت خود را ناشی از خدا می‌داند که آن نیز به جهت «آزمایش مردم» است، تا امکانی باشد برای «خالص» شدن عده‌ای و «هلاکت» عده‌ای دیگر که نافرمانی اختیار کرده‌اند (برگ ۲۸).

باری، پیشوای نهضت مشعشعیان امام مهدی (ع) «راز غیب» است و سید محمد بن فلاح «حجاب و ابزار»ی برای اوست و هر کس که در این رسالت او را یاری کند و به فریاد او پاسخ دهد، در واقع در «حضور قائم پوشیده در غیب» مبارزه کرده است (برگ ۲۲۹). به تعبیری دیگر سید محمد بن فلاح، خود را «عالم ربانی» می‌پندارد که آشکارا به حق دعوت می‌کند و ضرورت دارد که او را یاری کنند، زیرا فرمان خداوند است که «ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم» و مدعی است که به اجماع مفسران، یاری خداوند همان یاری پیامبر (ص) و یاری «ولی و عالم ربانی» است و گرنه خداوند بی‌نیاز از یاری مخلوقات است (برگ ۴۴).

تعبیر دیگر که او درباره خود به کار می‌برد «امام امت» است. و به نظر او کسی که به «شریعت» عمل کند و در «طریقت» سیر کند و به «حقیقت» نایل شود امام امت است و «رئیس بندگان». این چنین شخصی، اگر ادعای امامت کند پذیرفتنی است و اگر اراده «امارت» کند در آن «اولی و احق» است و چنین فردی در زمان غیبت، از سوی «قائم آل محمد (ص)» نیابت دارد و در این باره، حدیث وارده را نقل می‌کند که: فقیه مورد اعتماد و اعلم اهل زمان از سوی قائم در ایام غیبت نیابت دارد و بر خلق واجب است که با او قیام کنند و او را یاری رسانند تا حدود را برپا سازد<sup>۱</sup>.

سید محمد بن فلاح پس از ذکر مقدمه بالا، خود را همان فقیه مورد نظر می‌نامد: «این سید، فقیه اهل بیت (ع) است و بر خلق واجب است که او را یاری کنند تا حق شما را آشکار کند و باطل را نابود سازد» (برگ ۷۲-۷۳). سید محمد بن فلاح با اثبات نقش نیابت خویش، انتظار دارد منتظران مهدی (ع) وی را یاری و همراهی کنند. وی با اشاره به این موضوع که در صدر اسلام، خداوند پیامبر (ص) را فرمان داد تا مؤمنان را چنان بر ضد کفار برانگیزند که بیست تن از آنها در مقابل دویست تن از کفار بایستند، می‌افزاید

۱. ان الفقیه المؤمن اعلم اهل الزمان هو النائب عن القائم بامر الله فی حالة الغیبة و یجب علی الخلق القیام معه لیعضدوه حتی یتقیم الحدود.

این نسبت پس از قدرت‌گیری مسلمان تغییر کرد و به یک تن در مقابل دو تن کاسته شد، اما تأکید شد کسانی که از مقابل دشمن فرار کنند مستحق آتش دوزخ خواهند بود. سپس ادامه می‌دهد، مهدی (ع) از ذریه محمد (ص) است و ادامه دهنده راه آبا و اجدادش، پس فرض است بر پیروان و مدعیان یاری او که مشمول فرمان خدا باشند و یک تن از آنها رویاروی دو تن از کفار پایداری کند و فرار در مقابل این تعداد از گناهان کبیره، و مجازاتش دوزخ خواهد بود (برگ ۱۲۰-۱۲۱).

ظاهراً سید محمد بن فلاح، از کم‌شماری پیروانش در رویارویی با دشمنان آگاه است و از این رو می‌کوشد با یاد آوری شرایط دوران صدر اسلام، روحیه مبارزه و جنگ را در آنها بیدار سازد. به نظر می‌رسد به او ایراد می‌گرفتند که اگر از جایگاه معنوی مورد ادعا برخوردار، و به درستی در مقام نیابت باشد، پیروزی او باید سهل الوصول باشد. از این رو در خطاب به «اکراد کوهستان و سایر نادانان» که می‌گویند اگر مهدی (ع) ظهور کند زمین را طی هفت روز یا کمتر تسخیر می‌کند، گوید: «این نفاق‌گوینده است و دروغ بر خدا و رسولش»، زیرا سر مشق مهدی (ع) پیامبر اسلام و سایر انبیا هستند و شرایط پیروزی آنها به این سادگی نبود:

او حتی بر این نظر است که شرایط زمان وی دشوارتر از پیشینیان است، زیرا «فریب دشمنان» بیشتر شده و این ناشی از «نادانی» محض آنهاست. از سوی دیگر، یادآور می‌شود که در این زمان «امتحان» بزرگی پیش روست. در زمان پیامبر (ص) دستور به تکلیف شدگان این بود که «بتهای حاضر را نابود سازند، و [قوم] یهود آنچه را از تورات تحریف کرده‌اند حذف کنند... و این [فرمانها] برای شخص عاقل مشکل نبود، اما با ظهور وی که نایب امام غایب (ع) در این زمان است شرایط پیچیده‌تر و مشکل‌تر است و همه

۱. قال من اكراد الجبال و ساير الجهال، ان المهدي اذا ظهر يملك الارض بسبعة ايام او اقل فذاك نفاق من القائل و كذب على الله و الرسول ... فان محمداً عليه السلام عاش في مكة ثلاثاً و خمسين سنة... و هرب بعد ذلك الى الغار و هاجر منه الى المدينة... و لم يملك من الارض الا البعض فكيف يكون حال من هو من ولده الذي و اقل درجة و اقل فضلاً و اشتهاً ان يملك الارض بلا ناصر و معين مع كثرة الاعداء فمن شكك بما اقول فليقف على قصة الرسول محمد صلى الله عليه و آله و سلم و ما حكاه الله عنه في كتابه العزيز» (برگهای ۲۲۲-۲۲۳).

اینها، «به خاطر بزرگی آزمایش است، که این دوره، زمان آزمایش و تحقیق است... [و] مهدی (ع) فقط با کنار رفتن پرده‌ها و [در زمان] کمال یا دانش ظهور می‌کند» (برگ ۲۴۹) و گفته اخیر از نادر مواردی است که سید محمد بن فلاح از شرایط لازم جهت ظهور مهدی (ع) یاد می‌کند.

بنا بر آنچه گفته آمد، می‌توان بر این نکته تأکید کرد که اندیشه مهدویت آن چنان که از کلام سید محمد بن فلاح بر می‌آید، با غالب گزارشهای سایر منابع تاریخی در این باره - که از آنها یاد شد - تفاوت‌های آشکاری دارد. در منابع مذکور، دعوی مهدویت، اصلی‌ترین بعد تکاپوهای سید محمد بن فلاح عنوان شده بود. اما آنچه از کلام المهدی نقل شد، نشان داد که بین آن و نظریه متداول شیعیان در این باره همانندیهای بسیار وجود دارد. برای نمونه امام صادق (ع) امام غایب (ع) را با یوسف قیاس می‌کند که برادرانش نتوانستند او را بشناسند تا اینکه او خود را معرفی کرد. سپس می‌افزاید، «چرا باور ندارند که خداوند همان کاری را که با یوسف کرد با حجت خود بکند؟» یعنی امام زمان (ع) در میان آنها رفت و آمد داشته باشد، در بازارهایشان راه برود و پا روی فرشهایشان بگذارد و آنان او را نشناسند (نعمانی، ۱۸۷ - ۱۸۸) و در روایتی دیگر - می‌فرماید امام غایب (ع) در موسم حج حاضر می‌شود، اما مردم او را نمی‌بینند (ص ۲۰۳).

افزون بر این، سید محمد بن فلاح از موضوع مهم «آزمایش» سخن به میان آورده بود و بدان وسیله جایگاه نیابت و ضرورت دعوت خود را موجه می‌نمود. میان شیعیان نیز روایات متعددی هست که هدف از غیبت را آزمایش مردم ذکر می‌کند، چنانکه از امام صادق (ع) روایت شده «صاحب الامر نخواهد آمد مگر بعد از آنکه به کلی مایوس شوید. نه به خدا نمی‌آید مگر بعد از آنکه خوب و بد شما امتیاز یابند... مگر موقعی که پاک شوید... هنگامی که آن کس که شقی است شقاوتش آشکار گردد و آن کس که سعادت‌مند است شناخته شود» (مجلسی، ۸۷۷). آزمایش در شرایطی دشوار صورت می‌گیرد، زمانی که امامی حاضر نیست که هدایتگر باشد و نه «علمی» هست که بعضی از مردم را از بعضی دیگر جدا سازد. در چنین وضعیتی است که امام صادق می‌گوید از هم تمیز داده و امتحان و غربال خواهید شد و بر اساس روایتی از امام رضا (ع) نیز تحقق وعده ظهور منجی در زمانی است که مردم «پاک» شوند و امتحان دهند و از هم امتیاز پیدا

کنند (همو، ۸۸۰-۸۸۱). سید محمد بن فلاح نیز امتحان مردم و تفکیک و تمیز آنها را هدف دعوت خود قلمداد می‌کرد که با ظهور امام غایب و با توجه به پیروزی جبری او امکان تشخیص صالحان از ناصالحان باقی نمی‌ماند. در این مورد نیز از امام صادق (ع) روایت شده که با ظهور مهدی (ع) در مشرق و مغرب کسی نمی‌ماند مگر آنکه از او بترسد. (نعمانی، غیبت، ۲۸۰)، و اساساً این پیروزی حتمی است زیرا دین پیامبر (ص) است که بر همه ادیان پیروز خواهد شد (نعمانی، غیبت، ۲۲۴).

آنچه در موضوع مهدویت در اندیشه سید محمد بن فلاح طرح شد، متضمن این برداشت است که: او هیچ‌گاه مدعی مرتبه مهدی (ع) نبوده، بلکه خود را نایب و قائم مقام می‌دانست و در این مورد نیز، مدعی جایگاه ویژه و خاصی در امر نیابت نبوده است. در واقع او به ضعف و ناتوانی خود واقف است و رسالت نیابت خود را با شرط مذکور محقق می‌بیند تا امکان آزمایش و تمیز مردم فراهم گردد. وی در جایی خود را در زمره فقیهان زمان معرفی می‌کند که نیابت عام از امام غایب (ع) دارند، و آنجا که خود را عالم ربانی یا امام امت معرفی می‌کند بلافاصله می‌افزاید، این مرتبه کسی است که به شریعت عمل و در طریقت سیر کند و به حقیقت نایل شود و چنین امری برای هر پوینده مستعدی ممکن است. در مجموع جایگاهی که سید محمد بن فلاح برای خود رقم می‌زند از تحقق شرایطی حاصل می‌شود که اکتسابی است و به طور کلی ناشی از برخورداری از دانش دینی و سپس عمل به آن است (مرتبه علمی و معنوی). البته چنانکه در همین نوشتار از مجالس المؤمنین نقل شد، سید محمد بن فلاح در نحوه عمل، «صوفی و صاحب ریاضت و مکاشفه» بوده است، خصلتی که می‌تواند در شیوه اندیشه و عمل او مؤثر باشد.

با این اوصاف، این پرسش باقی است که چرا شیخ احمد بن فهد حلی، فقیه و عالم دین معروف آن زمان، با او به مخالفت پرداخت؟ شبی یکی از عوامل این امر را مخالفت ابن فهد با هرگونه قیام مسلحانه، بجز قیام امام غایب (ع) می‌داند (شیبی، ۲۸۸). البته افزون بر این پاسخ باید گفت که ابعاد دیگری از اندیشه و عمل سید محمد بن فلاح می‌توانست مورد مخالفت ابن فهد و سایر مراجع مذهبی و سیاسی قرار گیرد که در موضوع این نوشتار قرار ندارد. افزون بر این، لزوم وجود مقام نایب و حجاب با ضرورت

آزمایش مردم توجیه می‌شود. در واقع، ظهور و پیروزی مقدر امام غایب (ع) پیشگامی حجاب و نایب او را برای آزمایش خلق موجب می‌شود. افزون بر این، ظهور نایب و حجاب، بستر تعالی و کمال مؤمنان را که از شرایط ظهور امام غایب (ع) است فراهم می‌سازد. ثالثاً: از بعد رهبری یک جنبش اجتماعی، نیز باید اذعان کرد که سید محمد بن فلاح، منسجم‌ترین اصول را جهت تحریک و ترغیب توده‌های باورمند مذهبی برگزیده بوده است.

## منابع

- افتدی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، به کوشش سید محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۱ق.
- تاریخ عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۳ش.
- جزایری، سید عبدالله، تذکره شوشتری، تهران، کتابخانه صدر، بی‌تا.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن حسینی یزدی، تاریخ کبیر، میکرو فیلم شماره ۴۷۷۵، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، ۱۳۶۴ش.
- خواند میر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳ش.
- روملو، حسن بیگ، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۷ش.
- سید محمد بن فلاح، مشعشعی، کلام المهدی، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس اسلامی، شماره ۱۰۲۲۲.
- سید علی خان بن سید عبدالله، موسوی، تاریخ مشعشعیان، نسخه خطی موجود در کتابخانه سپهسالار (مطهری) به شماره ۱۵۱۳.
- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۶ق.
- شیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۹ش.

- شیرازی، عبدی بیک، تکملة الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ق)، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹ش .
- غفاری قزوینی، احمد، تاریخ جهان آرا، تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳ش.
- غیائی، عبدالله بن فتح الله بغدادی، التاریخ الغیائی، الفصل الخامس من سنة ۶۵۶ - ۸۹۱، به کوشش طارق نافع الحمدانی، بغداد، ۱۹۷۵م.
- ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، «نهضت مشعشعی و گذاری بر کلام المهدی»، معارف، دوره سیزدهم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۷۵.
- کسروی، سید احمد، مشعشعیان، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸ش.
- مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)، ترجمه علی دوانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [۱۳۵۰ش].
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت، ترجمه سید احمد فهری زنجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.

